گفت‌وگوی خراسان با قاتلی که برای رسیدن به دوران خوش‌گذرانی آدم کشت

برده شیطان بودم!

اختصاصی خراسان

سجاد پور- از روزی که با آن زن آشنا شدم دیگر هیچ چیزی از نظر مالی کم نداشتم و هر چه می خواستم برایم فراهم می کرد اما من نمی دانستم او چه نقشه وحشتناکی را در سر می پروراند. بیش از دو سال با او ارتباط داشتم و در این مدت مرا آن قدر وابسته خودش کرد که دیگر برده شیطان بودم! هر چه می گفت کاملا می پذیرفتم و هر کاری از من می خواست چشم و گوش بسته انجام می دادم تا جایی که نقشه قتل شوهرش را با من در میان گذاشت تا بعد از کشتن شوهرش دنیای خوشبختی و خوش گذرانی را تجربه کنم اما...

این ها بخشی از اظهارات جوان ۲۹ ساله ای است که در پی یک آشنایی خیابانی با یک زن ۴۰ ساله، شوهر پژوسوار او را به طرز هولناکی کشت تا با وعده و وعیدهای پوشالی آن زن خیانتکار به دوران خوش گذرانی و خوشبختی با پول های بادآورده برسد. او که برای ارتکاب این جنایت هولناک برادر ۲۲ ساله اش را نیز با خود همراه کرده بود هجدهم تیر گذشته مرد ۴۴ ساله پژوسوار را در لانه مجردی خودش به قتل رساند و روز بعد جسد او را درون دو کیسه گونی در حاشیه جاده روستای سالارآباد رها کرد. آن چه می خوانید گفت‌وگوی خراسان با این قاتل خوش گذران است.

نامت چیست؟ سجاد-ی

متولد چه سالی هستی؟ سال ۷۳ و در یکی از روستاهای سرخس به دنیا آمدم.

در همان روستا تحصیل کردی؟ تا راهنمایی در روستا بودم اما برای ادامه تحصیل در دبیرستان کاردانش به مشهد آمدم.

در چه رشته‌ای دیپلم گرفتی؟ زراعت و باغبانی! ابتدا در خادم آباد تحصیل کردم و بعد به خوابگاه شبانه روزی طرق آمدم.

متاهلی؟ بله! البته یک بار همسرم را طلاق دادم و سال گذشته برای دومین بار ازدواج کردم.

چرا همسرت را طلاق دادی؟ او به دنبال پول و تفریح بود و من هم نمی توانستم از عهده مخارجش بر بیایم. به همین دلیل بعد از آن که حدود سه سال در عقد بودیم، او را طلاق دادم. آن زمان ۲۰ ساله بودم و بعد از ازدواج عازم خدمت سربازی شدم اما به دلیل این که فرار کردم و اضافه خدمت خوردم حدود ۳/۵ سال خدمت سربازی ام طول کشید.

کجا خدمت کردی؟ در کلانتری های مشهد خدمت می کردم. ابتدا در پاسگاه انتظامی انداد بودم و بعد هم در گوجگی، سیدی، جهاد و آخر سر هم در کلانتری نجفی خدمت کردم!

چگونه با «ن» آشنا شدی؟ یک روز که زیر پل الغدیر ایستاده بودم سوار خودرواش شدم چون او مسافرکشی می کرد. همان روز مخ مرا زد! آن قدر از سرمایه و اموالش تعریف کرد که وسوسه شدم! می گفت هر جا مشکلی داشتی به من بگو. بعد هم شماره تلفنم را گرفت و از آن روز مدام در کافه ها و رستوران ها بودیم! وقتی خدمت سربازی ام به پایان رسید، حدود یک ماه با او قطع رابطه کردم.

چرا دوباره سراغش رفتی؟ او خود شیطان بود، دوباره به بهانه سرقت تلفن خواهرش با من تماس گرفت و آن قدر وسوسه ام کرد که دیگر رام شدم و به نزد او باز گشتم. خیلی برایم خرج می کرد، بهترین کفش و لباس ها را می خرید و پول به کارتم واریز می کرد. من هم که بیکار بودم به خوش گذرانی می پرداختم!

خانه مجردی که شوهر «ن» را آن جا کشتی مال خودت بود؟ نه! آن جا را همان زن برایم اجاره کرده بود تا راحت باشم، در واقع چیزی لازم نداشتم و او همه مایحتاج من را تامین می کرد.

وقتی سال گذشته دوباره ازدواج کردی، آن زن اعتراض نکرد؟

چرا! خیلی اعتراض می کرد او می گفت: از دواج نکن، هر چه بخواهی من تامین می کنم! چرا وقتی می توانی خوش بگذرانی، خودت را بیچاره می کنی؟ به هیچ وجه نمی گذاشت ازدواج کنم اما من به حرفش گوش نکردم.

با همسر دوم‌ات چگونه آشنا شدی؟ او از بستگان پدرم بود. در دوران نامزدی از همسرش طلاق گرفته بود و من به خاطر آشنایی فامیلی با او ازدواج کردم.

بعد از ازدواج رابطه‌ات با «ن» به کجا رسید؟

او خیلی از این موضوع ناراحت بود. آن قدر به سرم خواند و مرا جادو کرد که به همسرم گفتم تو را طلاق می دهم. به او می گفتم من تو را دوست ندارم! همان طور که گفتم من برده شیطان بودم و هر چه آن زن تلقین می کرد به راحتی می پذیرفتم و به عاقبت حرف هایش نمی اندیشیدم.

او با همسرش اختلاف داشت؟ نمی دانم. به من می گفت همسرم را دوست ندارم! به اجبار با او ازدواج کرده ام.

چه شد که نقشه قتل را طرح کردی؟ نقشه قتل را «ن» کشید. او می گفت اگر همسرم را از میان برداری، همه اموالم مال تو می شود و دیگر به راحتی می توانی زندگی کنی!

من همسر او را ندیده بودم تا این که چند روز قبل از قتل او را به من و برادرم نشان داد چون نقشه قبلی چیز دیگری بود.

چه نقشه ای داشت؟ قرار بود ما به عنوان مسافر سوار خودروی شوهرش شویم که بعد از ظهرها مسافرکشی می کرد و او را در جاده به قتل برسانیم تا چنین وانمود شود که دزدان خودرو، شوهرش را کشته اند! به همین دلیل او را در خیابان گاراژدارها به ما نشان داد و من و برادرم به طور درستی خودرواش را به مقصد تربت حیدریه اجاره کردیم اما در بین راه به رفتار ما مشکوک شد و مقابل فروشگاه های کنار بزرگراه باغچه از خودرو پیاده کرد.

بعد از این ماجرا چه اتفاقی افتاد؟ «ن» نزد من آمد و خیلی مرا سرزنش کرد که چرا نتوانستیم شوهرش را بکشیم بعد هم نقشه قتل را تغییر داد و شوهرش را به همین خانه مجردی کشاند که من و برادرم با هم او را کشتیم و روز بعد جسد را در کنار جاده رها کردیم.

معتادی؟ نه! روزهای آخر کنار برادرم چند دود گرفتم اما قلیان تنباکو کشیدم چرا که آن زن خودش قلیان می کشید من هم در کنار او مصرف می کردم.

پشیمانی؟ خیلی! هر روز خواب های وحشتناکی می بینم که در تاریکی شب افرادی به سرم ریخته اند و مرا کتک می زنند یا از بالا روی میله های فلزی نوک تیز سقوط می کنم و... وجدانم خیلی ناراحت است! فریب خوردم! در آرزوی رسیدن به خوش گذرانی، زندگی ام را نابود کردم البته این عاقبت نگاه کردن به ناموس مردم است.

فکر می کردی دستگیر شوی؟ نه! نقشه آن زن زیرکانه بود اما فقط دو روز بعد کار آگاهان جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به سراغم آمدند و سرهنگ نجفی به دستانم دست بند زد.

قتل مرد ضایعاتی توسط جوان ۲۱ ساله در تهران

سرهنگ عباس کرمی، رئیس یگان حفاظت از اماکن عمومی پلیس پیشگیری پایتخت خبر قتل مرد ضایعاتی را توسط جوانی ۲۱ ساله گزارش داد. به گزارش رکنا، ماجرای قتل از این قرار بوده است که جوانی ۲۱ ساله یک دستگاه خودروی وانت داشته و نزد فردی ۴۰ ساله کار می کرده است. این جوان ضایعات جمع‌آوری می کرده و برای فرد میان سال می برده و با یکدیگر در شهرک صالحین شهرری ضایعات را تفکیک و در واقع با یکدیگر کار می کردند. اما حدود یک ماه بوده که پسر جوان برای تفکیک ضایعات با مرد ۴۰ ساله همکاری نداشته است. صبح دوشنبه ششم مردادماه، مرد میان سال در تماس با پسر ۲۱ ساله علت حضور نیافتن یک ماهه او را بر سر کارش جویا می‌شود. پسر جوان می گوید: کار بهتری پیدا کردم و دیگر کار ضایعات انجام نمی دهم اما غروب سر می زنم. حدود ساعت ۱۰:۳۰ صبح دیروز مرد میان سال که اعتیاد هم داشته به خانه پسر جوان می‌رود و خواهر ۱۴ ساله پسر در را باز می کند چرا که پدر و مادر و برادرش در منزل نبودند. مرد میان سال سراغ برادر دختر را می گیرد که دختر نوجوان اعلام می کند برادرش در منزل حضور ندارد. مرد میان سال در خواست می کند دختر نوجوان با برادرش تماس بگیرد و تقاضا کند او به خانه بیاید که پسر جوان نیز کارش را رها می کند و به خانه می آید زیرا نگران خواهر نوجوانش می‌شود که مرد میان سال معتاد به در خانه‌شان رفته است. پسر جوان و مرد میان سال در خانه پسر ۲۱ ساله درگیری لفظی پیدا می کنند و مرد میان سال جوان را کتک می زند و او را تحریک می کند که همین اقدام موجب می‌شود پسر جوان دست به چاقو شود و چند ضربه به قفسه سینه مرد میان سال می‌زند که بعد از خون‌ریزی از حال می‌رود. خواهر پسر از او تقاضا می کند به اورژانس زنگ بزنند اما بعد از انتقال مرد میان سال به بیمارستان فیروزآبادی شهرری و انجام عملیات درمانی، او بعد از دو ساعت فوت می کند. بعد از فوت مرد میان سال، یگان حفاظت با کلانتری ۱۳۱ شهرری تماس می گیرند و ماجرا را گزارش می‌دهند.

بلافاصله رئیس کلانتری ۱۳۱ شهرری سرهنگ حسینی‌فر تیم عملیات را به بیمارستان اعزام می کند که اقدام به دستگیری جوان ۲۱ ساله می کنند و او نیز نزد بازپرس کشیک قتل و افسر تشخیص هویت، به قتل اعتراف می کند و ماجرا را به طور کامل شرح می‌دهد. سپس توسط تیم تشخیص هویت اداره ۱۰ آگاهی و دستورات بازپرس کشیک قتل صحنه‌سازی قتل انجام می‌شود و اکنون پسر جوان به جرم قتل در بازداشت به سر می برد و سیر مراحل قضایی در حال انجام است.

باند سارقان تلفن همراه متلاشی شد

توکلی- شش عضو باند سارقان و مالخران گوشی های سرقتی با کشف ۲۰ فقره سرقت دستگیر شدند. رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمان گفت: در پی گزارش افزایش موارد متعددی از سرقت به عنف تلفن همراه در شهر کرمان، موضوع در دستور کار ماموران مبارزه با سرقت پلیس آگاهی قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما سرهنگ «حسن پور» افزود: در این زمینه کارآگاهان پلیس آگاهی با پوشش نامحسوس نقاط جرم خیز، تحت کنترل درآوردن محل قرار افراد مد نظر و انجام اقدامات اطلاعاتی یک باند شش نفره متشکل از دو سارق و چهار مالخر را شناسایی و طی چند مرحله در نقاط مختلف شهر دستگیر کردند. وی بیان کرد: متهمان در روند تحقیقات پلیسی و پس از رویارویی با ادله موجود به ۲۰ فقره سرقت به عنف تلفن همراه و فروش آن ها به مالخران مرتبط با خود اعتراف کردند. وی خاطرنشان کرد: متهمان، زنان و افراد پیر و ناتوانی که قدرت دفاع از خود را در معابر و کوچه های خلوت نداشتند هدف سرقت های خود قرار می دادند. این مسئول انتظامی با اشاره به تشکیل پرونده برای متهمان و تحویل آنان به مراجع قضایی تصریح کرد: بر اساس سوابق پرونده های موجود و بازسازی صحنه های سرقت، همه مال باختگان مرتبط با سرقت های انجام شده توسط متهمان شناسایی شدند و اموال سرقتی نیز به آنان تحویل شد.

در امتداد تاریکی

باند خطرناک ساطوری ها

فریاد می زد «مرا اشتباه دستگیر کرده اید! من مسافرکشی هستم که برای یک لقمه نان حلال تلاش می کنم!» اما این فریادها هیچ فایده ای نداشت چرا که مطمئن بودیم زورگیران خشن ساطور به دست را به دام انداخته ایم اما تازه در مقر انتظامی متوجه شدیم که آخرین طعمه زورگیران چگونه از زیر ضربات مهلک ساطور نجات یافته است و...

حدود اسفند سال ۸۹ بود که زورگیری های وحشتناک از رانندگان مسافر بر در اطراف چناران آغاز شد. بررسی پرونده ها و اظهارات رانندگان خون آلود در مراکز درمانی نشان می داد که اعضای یک باند خطرناک در حالی که یک زن نیز آن ها را همراهی می کند، خودروی رانندگان مسافرکش را به طور درستی و با پیشنهاد مبالغ بالا از مشهد به مقصد چناران اجاره می کنند و سپس با کشاندن راننده به جاده های فرعی، او را با ضربات مهلک ساطور و چاقو هدف حمله قرار می دهند. زورگیران خشن نه تنها خودروی راننده را می ربودند بلکه همه اموالش را می گرفتند و او را با پیکری خون آلود در مناطق خلوت شهر رها می کردند و... خلاصه، شمار این زورگیری ها هر روز افزایش می یافت، به طوری که در طول یک هفته به حدود ۱۰ فقره رسید. این ماجرا پلیس آگاهی چناران را که آن زمان ریاست اش به عهده من بود، به تکاپو واداشت به طوری که احساس می کردیم رانندگان قربانی زورگیری های اعضای این باند خطرناک و بی رحم می شوند. به همین دلیل، جلسات تجزیه و تحلیل این پرونده ها با توجه به مکان های جغرافیایی ارتکاب جرم با طرح چند فرضیه پلیسی آغاز شد. نتیجه جلسات کارشناسی این بود که اعضای باند در چناران اقامت دارند و هر روز بعدازظهر برای یافتن طعمه به مشهد می روند و رانندگان مسافرکش را از مناطق میدان آزادی، میدان استقلال و ابتدای قاسم آباد به دام می اندازند. در همین اثنا، حادثه وحشتناک دیگری به پلیس گزارش شد. وقتی به بیمارستان رسیدیم با پیکر خون آلود جوان ۲۰ ساله ای روبه رو شدیم که برای تامین هزینه های دانشگاه، مسافرکشی می کرد. او که هدف ضربات وحشتناک ساطور قرار گرفته بود، درباره این حادثه گفت: سه مرد جوان و یک خانم را از مشهد به مقصد چناران سوار پرایدم کردم اما آن ها در نزدیکی چناران مرا به جاده فرعی کشاندند و فقط متوجه شدم که چیزی شبیه ساطور به سرم خورد. سپس در صندوق عقب خودروی خودم به هوش آمدم و شنیدم که یکی از آن ها «محسن» نام دارد و برای خرید مواد مخدر پیاده شدند. با همان سر و وضع خونین صندوق عقب را باز کردم و دیدم سوئیچ روی خودرو است، به آرامی پشت فرمان نشستم و پدال گاز را فشار دادم. آن ها فریادزنان به دنبال خودرو دویدند ولی من از چنگ آن ها گریختم. سپس در حالی که سرگردان بودم، یکی از ماموران پلیس را دیدم و با کمک او به مرکز درمانی انتقال یافتم و... آن روز با اطلاعاتی که جوان مجروح در اختیار ما گذاشت، بلافاصله عملیات در شاخه های مختلف پلیسی آغاز شد. علاوه بر اجرای چندین طرح مهار در مناطق مختلف شهر، با همکاری نیروهای ستاد مبارزه با مواد مخدر، منازل و پاتوق های خرده فروشان سابقه دار شناسایی شد و مورد بررسی های غیرمحسوس قرار گرفت. ماجرا از اهمیت ویژه ای برخوردار بود چرا که جان رانندگان در معرض خطر قرار داشت. به همین دلیل با همه تجهیزات و امکانات و توان علمی وارد عمل شدیم. ردیابی های جغرافیایی وقوع جرایم به محله ای می رسید که دو پاتوق مهم در آن جا وجود داشت. در بازرسی یکی از این منازل تعدادی گوشی تلفن، ساعت، انگشتر و مدارک خودرو کشف شد که یکی از گواهی نامه ها به نام «محسن» بود. با آن که هنگام بازرسی پاتوق که با دستور قضایی انجام گرفت، هیچ کس در آن جا حضور نداشت اما کشف این اموال و به ویژه گواهی نامه ای به نام محسن حکایت از آن داشت که این پاتوق سرنخ اصلی ماجراست چرا که داغ بودن سماور مشخص می کرد پاتوق نشینان به زودی به این محل باز می گردند، بنابراین با پوشش غیرمحسوس آن محل در محاصره پلیس قرار گرفت تا این که حدود ساعت ۲۲ یک پراید با چند سرنشین مقابل همان پاتوق متوقف شد. یکی از سرنشینان با توجه به عکس گواهی نامه، همان محسن بود. در یک لحظه غافلگیرانه همه سرنشینان خودرو به همراه یک زن جوان دستگیر شدند. در این میان، راننده جوان پراید فریاد می زد اشتباه گرفته اید من بی گناهم! بالاخره، بررسی ها نشان داد دستگیر شدگان اعضای باند خطرناک ساطوری هستند و راننده پراید آخرین طعمه آن ها بود اما اعضای باند برای برداشتن مواد مخدر به پاتوق بازگشته بودند که در دام پلیس افتادند و راننده پراید این گونه نجات یافت...

ماجرای واقعی بر اساس خاطرات
سرهنگ بازنشسته محمدرضا جعفری

آگهی فروش ملک
شرکت زمزم مشهد

شرکت زمزم مشهد درنظر دارد ملک خود در شهر نیشابور را از طریق مزایده عمومی و به شکل غیرحضوری در تاریخ ۹۹/۵/۲۰ به فروش برساند. متقاضیان جهت بازدید از ملک می توانند به آدرس ذیل مراجعه و جهت تکمیل فرم و پرداخت سپرده شرکت در مزایده از تاریخ ۹۹/۰۵/۰۷ تا تاریخ ۹۹/۰۵/۱۹ به آدرس این شرکت واقع در مشهد، جاده قوچان، سه راه فردوسی، بلوار اندیشه، شرکت زمزم مشهد مراجعه و پیشنهادات خود را در پاکتهای دربسته تحویل شرکت نمایند.
آدرس و مشخصات ملک:
۱- نیشابور، حاشیه بلوار آموزگار بین خیابان پرستار و سینا، انبار شرکت زمزم مشهد (ششدانگ انبار تجاری به پلاک ۱۵ اصلی، به مساحت ۲۰۲۵ متر، دارای سوله و ساختمان اداری)
د/۹۹۰۳۱۶۷۹

صفحه آرایی
روزنامه مجله ویژه نامه کتاب اینفوگرافیک گرید لوگو
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آب نعمت بزرگ الهی است آن را هدر ندهیم.
((آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای))
شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد با رعایت مفاد آیین نامه معاملات شرکت های آب و فاضلاب شهری و استانی و از طریق مناقصه عمومی کالای مشروحه ذیل را از تولید کننده یا تأمین کننده ذیصلاح خریداری نماید.

موضوع	استاندارد تولید / سایر مشخصات	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به ریال	نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار
خرید اتصالات چدنی در سایزهای مختلف شامل زانو دو سر فلنج و فلنج ساکت و گلند فلنجی	ISO ۲۵۳۱ din ۲۸۶۰۱, din ۲۸۶۰۲gK=۱۲	۳۴۲/۷۲۰/۰۰۰	۱.واریز نقدی به حساب جاری شماره ۱۰۰۰۵۰۰۰۵ بانکی پاسارگاد شعبه آبفای مشهد ۲. ضمانتنامه بانکی ۳.اوراق مشارکت ٤. چک تضمین شده بانکی

۱. کارفرما: شرکت آب و فاضلاب مشهد ۲.محل تأمین اعتبار: اعتبارات غیر عمرانی ۳. تاریخ و محل دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ درج آگهی لغایت مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۶ از محل دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب یا در سایت اینترنتی http://iets.mporg.ir قابل دریافت می باشد شماره تلفن ۰۵۱۳۷۰۰۸۱۴۹ - ٤.آخرین مهلت عودت پاکات اسناد مناقصه: ساعت ١٤ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ می باشد.
۵.محل تسلیم پاکات مناقصه: مشهد، خیابان فلسطین، فلسطین ۴۶، دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب مشهد و در صورت ابهام با شماره ۰۵۱۳۷۰۰۸۱۴۹ تماس حاصل نمایید. ۶.مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت سه ماه می باشد.
۷. هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد
د/۹۹۰۳۱۶۲۹

((صرفه جویی در مصرف نیروی برق رعایت ارزشهای اجتماعی است))
نوبت اول
آگهی مناقصه عمومی شماره (۹۹/۰۳)
شرکت مدیریت تولید برق اهواز
نیروگاه رامین
شرکت مدیریت تولید برق اهواز – نیروگاه رامین در نظر دارد مناقصه خرید ۵۰۰/۰۰۰ کیلوگرم کلرورفریک مایع مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی به تامین کنندگان واجد شرایط که سابقه کار مرتبط با موضوع مناقصه را داشته باشد واگذار نماید.
لذا از شرکت هائی که توانائی انجام کار مذکور را دارا می باشند دعوت بعمل می آید از تاریخ ۹۹/۰۵/۰۸ لغایت ۹۹/۰۵/۱۵ جهت دریافت اسناد مناقصه با به همراه داشتن درخواست کتبی معتبر و فیش واریزی به مبلغ ۲۱۸/۰۰۰ (دویست و هجده هزار) ریال به حساب سیبا به شماره ۰۱۰۷۸۳۳۳۶۶۰۰۳ بانک ملی ایران در وجه شرکت مدیریت تولید برق اهواز – نیروگاه رامین (غیر قابل استرداد و واگذاری به غیر) به آدرس: اهواز- کیلومتر ۲۰ جاده مسجد سلیمان – شرکت مدیریت تولید برق اهواز– نیروگاه رامین (اداره قراردادها) و یا به آدرس: تهران – خیابان ولیعصر- بالاتر از میدان ولیعصر-کوچه شهید شهامتی- پلاک ۲۳- مراجعه نمایند. ضمنا شماره تلفن ۴-۳۴۴۴۹۰۴۱-۰۶۱ (داخلی ۴۸۵۸) آماده پاسخگویی به سئوالات پیمانکاران محترم می باشد.
الف: نوع مناقصه: عمومی یک مرحله ای
ب- محل اعتبار پروژه: از محل بودجه جاری شرکت می باشد.
ج: شرایط متقاضی: دارا بودن سوابق اجرایی مرتبط، توانائی ارائه ضمانتنامه به مبلغ ۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰ (دویست و هفتاد و پنج میلیون) ریال بعنوان تضمین فرآیند ارجاع کار و همچنین مبلغ ده درصد کل مبلغ پیشنهادی (در صورت برنده شدن بعنوان تضمین انجام تعهدات)
حق الدرج دو نوبت اگهی در روزنامه بعهده برنده مناقصه می باشد.
روابط عمومی شرکت مدیریت تولید برق اهواز- نیروگاه رامین
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۹۹/۰۵/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۳۹۹/۰۵/۰۸
د/۹۹۰۳۱۶۱۰